جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی(فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | حسین یاری(بازیگر) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی کیا (فیلمساز) | سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان(پویا نما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | جواد اردکانی (فیلمساز)

سینمای دفاع مقدس، به عنوان تنها جریان سینمایی بومی و ملی در کشور ما، امروز جبهه‌های جدیدی پیش روی خودش دارد. اگر روزگاری سینمای دفاع مقدس فقط به هشت سال جنگ تحمیلی و عواقب آن محدود می‌شد، امروز زمینه‌ها و موضوعات تازه‌تـــری را پیش روی خود دارد. مدافعان حرم و قضایایی مثل گروه‌های تکفیری و داعش و آل‌سعود، از جمله این موضوعات اســـت. متأسفانه با اینکه کشور ما سال‌هاست با این مســـائل درگیر هستند، اما سینمای ما همچنان حاضر نیست که سکوت خودش را بشکند. با تعدادی از هنرمندان فعال و همچنین پیشکسوت‌های سینمای دفاع مقدس درباره این موضوع گفت‌وگو کردیم.

در گفت‌وگو با چهار هنرمند بررسی شد

سینمای دفاع مقدس و جبهه‌های امروز نبرد

آرش فهیم

لزوم حضور مستقیم فیلمسازان در جبهه‌های امروز

کارگردان ســـریال نوشـــدارو معتقد اســـت که کم‌کاری سینما و تلویزیون ما نســـبت به حوادث منطقه، انتقادآمیز است و در آینده موجب پشیمانی ما خواهد شد.

جـــواد اردکانـــی، کارگردان فیلم‌هایی چون «به‌کبودی یاس» و «شـــور شـــیرین» در گفت‌وگو با کیهـــان می‌گویـــد: آنچه برای سینمای دفاع مقدس و هر فعالیت مرتبـــط با موضـــوع دفاع مقدس اهمیت دارد، تعریف دفاع مقدس است. یعنی من معتقدم که جنگ هشت ساله ما قطعا یک فراز مهم دفاع مقدس اســـت اما فقط به آن هشت سال محدود نمی‌شود. اگر ما در تعریف دفاع مقدس در همان هشت سال بمانیم و حرکت نکنیم، قطعا خسارت خواهیم دید.

وی می‌افزاید: اگر یک فیلمساز به درســـتی معنای دفاع مقدس را بفهمـــد و بعد بتوانـــد آن را به درســـتی به مخاطب خودش هم منتقل کند، خیلی کمک می‌کند به اینکه جامعه ما و جامعه جهانی نسبت به جریانات جاری در سطح کشور و منطقه عکس‌العمل بهتری داشته باشد.

کارگـــردان ســـریال «غریبه» همچنیـــن اظهار مـــی‌دارد: اینکه فیلمســـازان ما ارتباط مستقیمی با موضوعات منطقـــه‌ای ندارند و خودشان درگیر موضوع نشده‌اند و از نزدیک لمس نکرده‌اند و همه چیز محدود به شنیده‌ها و تصاویر رسانه‌ها می‌شـــود، نتیجه کامل و خوبی نخواهد داشت. خیلی خوب اگر فیلمسازی که می‌خواهد در این حوزه کار کند، ابتدا دفاع مقدس را بـــه روز تعریف کند و به روز در آن حضور داشـــته باشد و به روز عکس‌العمل نشان دهد.

اردکانی در پاسخ به این سؤال کـــه این بـــه روز بودن بـــر عهده هنرمندان و فیلمســـازان است یا مســـئولین فرهنگی و ارگان‌های خـــاص مرتبط با دفـــاع مقدس؟ پاســـخ می‌دهد: هم باید تلاش از سوی فیلمســـاز باشد و مطالبه از طـــرف او اتفاق بیفتـــد و هم یک تلاش هـــم از ناحیه مجموعه‌های درگیر با ایـــن موضوعات. به طور مثال، ارگان‌های مربوط می‌توانند فیلمسازان را به درگیری‌های عراق و سوریه و نقاط دیگر وصل کنند و اجازه ورود مستقیم فیلمسازان به این موضوعات را فراهم کنند.

وی تصریح می‌کند: براســـاس تجربه شـــخصی خودم می‌گویم که خیلی وقت‌ها فیلمســـازانی که خودشان علاقه‌مند بوده‌اند، سختی کشـــیده‌اند امـــا در نهایت موفق شـــده‌اند که به موضوع ورود پیدا کنند. به طور مثال فیلم «جشـــن تولد» که من هنوز موفق به دیدن آن نشده‌ام، به همین ترتیب ساخته شده اســـت. یعنی گروهی که این فیلم را تولید کردند، تلاش کردند و موفق شدند که به سوریه بروند و به نقاطی رفتند که اصل جنس بود. به این ترتیب، اگر فیلمساز مطالبه داشته باشد، ممکن است که برای رسیدن به هدف خود سختی هم بکشد اما در نهایت درها باز می‌شود.

اما از آن طرف هم مدیران باید یک مقـــداری فضا را برای هنرمندان و فیلمسازها آماده‌تر کنند.

اردکانی همچنیـــن می‌گوید: خیلی خوب نیســـت که خروجی ســـینما و تلویزیون ما در مسائل منطقه که موضوعی بزرگ و مهم اســـت و همه جهان را تحت تأثیر خودش قرار داده، تا این حد پایین است. این مسائل یک اتفاق بسیار مهم است که فردای جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما جای انتقاد است که ســـینما و تلویزیون ما تا این حد نســـبت به این موضوعات کم کار و منفعل اســـت. مطمئن هســـتم که این کم‌کاری در آینده باعث پشیمانی ما خواهد شد.

از صدا و سیما انتظار داریم

پروانـــه معصومـــی، بازیگـــر پیشکســـوت ســـینما و تلویزیون کشـــورمان نیـــز در گفت‌وگـــو با کیهان می‌گویـــد: از ابتدای هفته دفاع مقدس امســـال که تلویزیون فیلم‌هایـــی را نمایـــش داد کـــه مـــن اغلب آنها را بـــرای اولین بار بـــود دیدم. به نظـــرم این فیلم‌ها گنجینه‌ای بســـیار پر و پیمان و با ارزش هســـتند. به ویژه اینکه من معمولا جـــزو علاقه مندان پر و پا قرص این نوع فیلم‌ها هستم.

وی درباره اهمیت پرداختن به مدافعان حرم در سینما نیز اظهار می‌دارد: تصور من این اســـت که اگر ما به سینمای دفاع مقدس که بحث مدافعان حرم هم در دل آن می‌گنجد بپردازیم، حس حماسی را در بسیاری از مردم بیدار می‌کند و می‌تواند در زمینه دفاع از حرم هم تأثیرگذار باشد. بنابراین، چه بهتر که هزینه‌هـــای هنگفتی که برای ســـاخت برخی از آثار و سریال‌ها می‌شـــود، برای چنین فیلم‌هایی هزینه شود.

معصومـــی در پایـــان گفت: با توجه به اینکه از ســـینما چندان توقعـــی نمی‌توان داشـــت، اما از صداوسیما تقاضا می‌کنم که کمی بیشتر به دفاع مقدس بپردازد.

چرا فقط یک حاتمی‌کیا داریم؟

محمد کاسبی هم از بازیگران قدیمی سینمای دفاع مقدس است که خـــودش نیز یـــک فیلم دفاع مقدسی با عنوان «قاصد» را در دهه ۶۰ کارگردانی کرده بود.

او درباره رسالت امروز سینمای دفاع مقدس بـــه خبرنگار کیهان می‌گوید: ســـینمای دفاع مقدس، ابعـــاد وســـیعی دارد کـــه جنگ تحمیلـــی پایه و اســـاس آن بوده است. اما این کشور همواره دشمن دارد و این دشمنان هر روز تهاجم و جنگشـــان با ما شـــکلی جدید پیدا می‌کند. مثـــلا امروز، داعش و رژیم سعودی از دشمنان اصلی ما هستند. این دشمنی‌ها هم هیچ وقت تمامی نخواهد داشت.

وی همچنیـــن بـــه اهمیـــت برگزاری جشـــنواره فیلم مقاومت اشـــاره کرد و افزود: در کشـــور ما هر سال جشـــنواره‌های سینمایی متعـــددی برگزار می‌شـــود. اما دو جشـــنواره نســـبت به بقیه مهم‌تر هستند؛ یکی جشنواره فجر است و دیگری هم جشـــنواره مقاومت. نکته مهم این است که اگر مقاومت و ایستادگی در دوران دفاع مقدس نبود از انقلاب دیگر اثری نمی‌ماند که حالا ما بخواهیم جشنواره فجر را به این مناسبت برگزار کنیم. به همین دلیل هم بزرگداشت و شکوه جشـــنواره مقاومت باید بیشتر از جشنواره فجر باشد.

کارگردان «شنا در زمستان» ادامه داد: سینمای دفاع مقدس هم باید با تولیدات خود نشان دهد که سینمای پویایی است.گاهی گفته می‌شـــود که در زمینه سینمای دفاع مقدس سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیـــرد. اما به نظر من در این حیطه سرمایه‌گذاری می‌شود اما متأسفانه این سرمایه گاهی حیف می‌شـــود. یعنی گاهی فیلم‌هایی می‌بینیم که در شأن دفاع مقدس نیستند.

وی تصریـــح کرد: ســـینمای دفاع مقدس جای سیاست بازی نیست. سینمای دفاع مقدس مثل شاهنامه فردوســـی است. یعنی همواره باید در آن صحبت دلاوری و سلحشـــوری باشـــد و همواره آدم‌های آن باید آماده جانفشانی برای این مرز و بوم باشند. نه اینکه فیلم‌هایی ساخته شود که جوانان، بعد از دیدن آنها از مقاومت و دفاع کردن از کشورشان گریزان شوند.

کاسبی گفت: الان مسئله مهم دفاع مقدس، مدافعان حرم است. همچنین باید باید فاجعه منا را هم در ســـینمای دفاع مقدس مطرح کرد. این مســـئله که چرا نیروهای ما الان در ســـوریه حضـــور پیدا می‌کنند، دلایل بســـیاری دارد که باید در سینما به آن پرداخته شود. اما نکته مهم این اســـت که سینما یک صنعت - هنر است. آن بخشی که دوربیـــن و تکنولوژی و خیلی از مســـائل دیگر را در بر می‌گیرد، صنعت اســـت. امـــا در وجود یک فیلمنامه‌نویـــس و کارگردان یک تفکر نهان است که هنر است. یعنی این‌گونـــه موضوعات باید در وجود ســـازنده یک اثر هنری بجوشد، نه ریاکارانـــه و برای رفـــع تکلیف و زمینه‌ســـازی برای کارهای بعدی. یعنـــی این‌گونه فیلم‌هـــا فرمولی نیستند و باید توسط کسانی ساخته شـــود که خالصانه بـــه این عرصه اعتقـــاد دارند. به همین دلیل باید آدم این کارها پیدا شود. همچنان که امثـــال ابراهیـــم حاتمی‌کیا و مرحوم رسول ملاقلی‌پور با سفارش کار نمی‌کردند بلکه درونشان آنها را به سمت ساخت فیلم‌های دفاع مقدس می‌بـــرد. در زمینه موضوع مدافعان حرم نیز باید همین طوری باشد.من متأسفم از اینکه با گذشت حدود سی‌وهشت سال از انقلاب، ما هنوز هم یک حاتمی‌کیا داریم. چرا باید فقط یکی باشد؟ چرا ملاقلی پور فقط یک بار ظهور کرد و دیگر فیلمسازی مثل او نیامد؟

آرزو دارم مدافع حرم بشوم!

مهـــران رجبـــی، بازیگری که در چند فیلم دفاع مقدســـی مثل «اخراجی‌هـــا۲» و «معراجی‌هـــا» بازی کرده هم معتقد است که باید درباره از خودگذشـــتگی‌ها و کار بزرگ مدافعان حرم روشنگری کرد.

مهران رجبی، بازیگر ســـینما و تلویزیـــون هم درباره ســـینمای دفاع مقدس می‌گوید: هیچ نظری به جـــز خوبی درباره دفاع مقدس نمی‌توان داشـــت. همـــه عوامل ســـاخت فیلم‌های دفاع مقدسی از کارگردان گرفته تا تدارکاتچی، کار برای این فیلم‌ها را نوعی ثواب برای خود می‌دانند. سینمای دفاع مقدس باید ارائـــه دهنده دوران و ماهیت دفاع مقدس باشـــد. هر چه بر زمان و این وانفسای جهان می‌گذرد مقدس بودن دفاع هشت ســـاله ما بیشـــتر معلوم می‌شود. ببینید دفاع مقدس چقدر به کشور ما اهمیت و اعتبار و آبرو بخشیده است و ریشه کشورمان را محکم کرده! کشور ما در خطرناک‌ترین جای دنیـــا قرار دارد کـــه دور تا دورش را تشـــنج و جنگ و انفجار در بر گرفته اســـت، البته ریشـــه همه این‌ها به کشـــورهای غربی بر می‌گـــردد که اینجا را شـــلوغ کرده‌اند تا خودشان راحت باشند. این که کشورمان در میان همه این بحران‌هـــا این همه امن و آرام و با ثبـــات و خوب و مایه افتخار همه مسلمانان است به دفاع مقدس بر می‌گردد. باید عاشق دفاع مقدس بود. باید برای پدیده دفاع مقدس احتـــرام قائل بـــود و تلاش کرد فیلم‌هایی که در این باره ساخته می‌شوند آبرومند باشند؛ چیزی کم نگویند و به افرادی که دفاع مقدس را ندیده‌اند چیزی اضافه کنند.

این بازیگـــر همچنین درباره اهمیت ساخت فیلم درباره مدافعان حرم هـــم اظهار می‌دارد: قبلا هم گفته‌ام که این یک افتخار بزرگ اســـت که یک نفر از مردم مظلوم جهان دفاع کند. چون افرادی که امروز به عنوان مدافع حرم در عراق و ســـوریه حضور دارند و با داعش می‌جنگند، در اصل در حال دفاع از همه مظلومان هستند. به همین دلیل هم باید درباره این موضوع در جامعه روشنگری کرد. بدون تردید حضور یافتن در این جهاد برای هر کسی یک توفیق بزرگ است. خود من هم از خدا می‌خواهم که یک روز مدافع حرم بشوم.

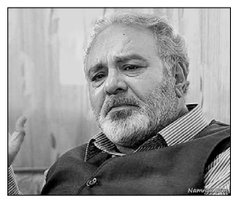

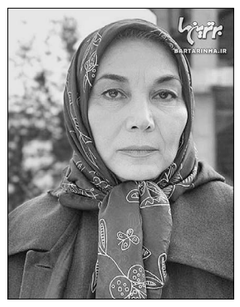

کاسبی: سینمای دفاع مقدس مثل شاهنامه فردوسی است. یعنی همواره باید در آن صحبت دلاوری و سلحشوری باشد و همواره آدم های آن باید آماده جانفشانی برای این مرز و بوم باشند. نه اینکه فیلم هایی ساخته شود که جوانان، بعد از دیدن آن ها از مقاومت و دفاع کردن از کشورشان گریزان شوند.

مهران رجبی: افرادی که امروز به عنوان مدافع حرم در عراق و سوریه حضور دارند و با داعش می جنگند، در اصل در حال دفاع از همه مظلومان هستند. به همین دلیل هم باید درباره این موضوع در جامعه روشنگری کرد.

اردکانی: مسائل منطقه اتفاقات مهمی هستند که همه جهان را تحت تأثیر خود قرار داده اند، اما جای انتقاد است که سینما و تلویزیون ما تا این حد نسبت به این موضوعات کم کار و منفعل است. مطمئن هستم که این کم کاری در آینده باعث پشیمانی ما خواهد شد.

برنامه‌های ترکیبی کپسول‌هایی برای پر کردن آنتن

رســـانه کارکردهـــای مختلفـــی دارد. از ســـرگرمی که وجه غالب رسانه‌های گروهی است تا آموزش و به نوعی تربیت. تلویزیون به دلیل گستردگی و تاثیرگذاری، نقش ویژه‌ای در این فرایند داشته است. ابزار تلویزیون برای این کارکرد متفاوت اســـت. از آگهی بازرگانی گرفته که شـــکل مستقیم انتقال پیام است و فیلم و ســـریال که شـــکل دراماتیک و بخش روکش دارو کپســـولی آن است؛ درست مانند دارو که قرص و کپســـول کـــه یکی عریان و دیگری با پوشش است؛ اما برنامه‌های ترکیبی به واقع نه قرص هستند نه کپسول و به دلیل راحت‌طلبی مدیران کم‌کم کارکرد خود را از دست می‌دهند.

به این عناصر توجه کنید؛ دو عدد مجری که یکی آدم جدی اســـت و دیگری کمدین. چند میهمان به علاوه سس اضافه یعنی یک خواننده و از همه مهمتر یک عده تماشاگر در استودیو یا لوکیشن.

در این خصـــوص، یعنی موضوع گفت‌وگو و میهمانان به چند نکته اشاره می‌کنیم. ابتدا اینکه مدعوین چه کسانی هستند؛ همان‌طور که گفته شـــد، یا بازیگر هستند یا خواننده یا ورزشکار. عجیب اینکه مدعوین در شبکه‌های مختلف ثابت و تکراری هستند. به واقع، نبود بودجه باعث شـــده، حجم برنامه‌های تکراری زیاد شود. یعنی ساختار بسیاری از برنامه های ترکیبی مشابه است و نمی‌توان وجه تمایزی بین اغلب این برنامه‌ها مشاهده کرد.

به یاد بیاوریـــد برنامه‌های ترکیبی پس از افطار را که یکی توســـط بانک [...] پشتیبانی می‌شـــد و مجری مدام اسم شرکت حامی را بیان می‌کرد و یا مجموعه تفریحی [...] که در گوشه تصویر بود.

می‌رسیم به موضوع بحث در این برنامه‌ها، عناصر ثابت این گفت‌وگو ســـن و سال، تأهل، رنگ مورد علاقه، حس خوب بودن، حس نوع دوستی و مقدار متنابهی شعار که در اغلب آنها وجود داشت. البته باید به فرهنگ رانندگی و اخلاق و هنر هم اشاره کرد.

یک دلیل بـــرای این رویکرد وجود دارد و آنکه آنتن خوراک می‌خواهد و به هر طریقی بایـــد آنتن پر شـــود و چه راهـــکاری بهتر و بی‌هزینه‌تر از اینکه عده‌ای را جمع کنیم بعد فقط حرف بزنیم!

خلاقیت، لازمه رســـانه است و وجود تفکر لازمه خلاقیت اســـت. نمونه این خلاقیت را می‌توان در برنامه «جیوگی» دانست که مجری آن از شرکت‌کنندگان می‌خواست شعار ندهند و حرف‌هـــای تکراری نزننـــد و حتی از برخی مسئولین هم فارغ از مسئولیت دولتی دعوت کرد و آنها را گوشه رینگ قرارداد و گفت‌وگوی پینگ‌پونگی صورت داد.

اما چرا تفکر- به عنوان مقدمه خلاقیت- در بسیاری از محصولات رسانه‌ای ما وجود ندارد؟ چون در کشور ما علوم انسانی به عنوان زیربنای سایر علوم همیشه زیرسایه پزشکی و مهندسی بوده اســـت و هیچ کس از علوم انسانی انتظار پیشرفت ندارد و این دقیقا همان نکته‌ای است که ما در تمام حوزه‌ها و در این جا برنامه‌سازی از این غافل هســـتیم. به نظر می‌رسد صدا و سیما نه به دلیل کمبود بودجه که ترجیع‌بند پاسخ تمام مسئولین آن است که به دلیل نبود خلاقیت و تفکر لازم دچار این‌گونه مشکلات و کاستی‌ها می‌شود.

احمد سیمای‌عراقی

بازگشتت مبارک رفیق!

داوود مرادیان*

وقتـــی اختصاص شـــبکه مستقل برای استان‌ها جدی شـــد که عـــزت‌الله ضرغامی بـــه عنوان معـــاون وقت امور اســـتان‌های صداوســـیما، با تشکیل طرح و برنامه مرکزی ســـعی در هدایت استانها به ســـمت و سوی ســـاخت آثار بومی اما فاخر داشـــت. در آن سالها به عنوان محقق، دستیار و تهیه‌کننـــده کلیپ با بعضی از مراکز همکاری داشتم و به وضوح و از نزدیک مشـــاهده می‌کردم که شبکه‌های استانی هزینـــه می‌کردند تـــا عوامل تهرانی را به شهرستان بکشانند و از همین نقطه ضربات اصلی به پیکره تولیدات استانی وارد می‌شد. مدیران عجول، تمنای محصول فوری داشتند، چمن کارها قدر نخلستان ضرغامی را درک نمی‌کردند. اما همین نگاه غلط هم نتوانست جلوی رشد فیلمســـازان شهرستانی و عوامـــل بومی را بگیرد، این رابطه کاری قطع شد اما بیش از ۱۰ ســـال حضور پیاپی در مرزها و روســـتاهای مختلف کشـــور اهمیت کار منطقه‌ای و بومی خصوصـــاً در مناطق مـــرزی را بیش از پیش برایم محرز می‌ساخت.

« شبکه شما» فرصتی بود بـــرای همین عرض اندام برابر با همه شـــبکه‌های سیما که در پشـــت نقاب «سرگرمی» که رایج برنامه‌های این شبکه بود می‌توانست تاثیر عمیق و جدی در فضای امروز منطقه بگذارد. اما ایـــن اتفاق به هر علت نیفتاد و بنا بر صلاحدید تیم کارشناســـان سابق سیما شـــبکه‌های کـــم مخاطب از روی گیرنده‌ها حذف شـــدند. واژه‌ای که اکنون می‌نویســـم را در خصوص هیچ‌یک از این شـــبکه‌ها به کار نخواهم برد اما از آنجا کـــه هم نیاز و هم ظرفیت را بعینـــه در مناطق خصوصاً مرزی احساس کرده‌ام لازم می‌بینم این تشـــبیه را به کار برم: شـــبکه شما اسبی عربی بود که به علت عدم نیاز سنجی کامل تغذیه مناسبی نداشت و متاســـفانه نهایتاً به گاری بسته شد!

این انصاف نیســـت! «زبان فارســـی» بیش از ۱۰ شبکه در اختیار دارد. شـــبکه نسیم در چنـــگ پایتخت اســـت و شـــبکه نمایش درگیر ارضای حس هالیوود پرستی و بالیوود دوســـتی، شـــبکه‌های یک تا شـــش در تلاشند ملی باشند اما بیشتر بر حوادث پایتخت متمرکزند و حتی گزارشـــگر فوتبال شهرستانی باید مترصد باشد تیم‌های پایتخت نشین به شهرهایشان بروند تا شاید صدای گزارششـــان از شبکه ســـوم ســـیما پخش شود! در این میان تنها «شما» بود که می‌توانســـت یکی از بازیگران بـــزرگ در حیطـــه «امنیت ملی»ما باشد. چرا؟

۱- «هنر در خدمت امنیت ملی»: تصور کنید شنبه شبها ســـریالی در دل بلوچســـتان ببینید و یکشـــنبه‌ها سریالی در دل کوه‌های ســـر به فلک کشیده شمال غرب. گاهی از رفیعه مستند ببینید و گاهی مستندی از درمان مردم دِلگان توسط بچه‌های بهداری سپاه تماشـــا کنید. یک شبکه ۲۴ ساعته که کوچکترین ربطی بـــه دود و ترافیک و طلبکاری پایتخت نـــدارد. هنرمندش با رنگ شدن و تغییر لهجه ادای کاشـــانی‌ها را در نمـــی‌آورد، خـــون کاشـــانی در رگ‌ها و لهجـــه‌اش جاری اســـت. آیا می‌توان ایـــن فرصت طلایی تماشای همه ایران را برای همه ایرانیان ندیده گرفت؟ فرصت تاثیرگـــذار واحدهای خبری مراکز اســـتانها چقدر به فریاد بخش‌های خبری سیما رسید؟ آیا فرصت شبکه استثنایی شما کمتر از اینهاست؟ قطعاً برنامه میان‌مدت روی شـــبکه شما می‌تواند سرپل عملیات روانی مناسبی نیز برای تاثیرگذاری منطقه‌ای فراهم آورد.

۲- فرصت برابر: برای من که به خاطر تولید مستند نفس درنفس مـــردم مناطق مرزی شده‌ام و حسرت بومی‌گرایی را در کلمـــه به کلمه اهل هنر ایشـــان درک کرده‌ام، شبکه شـــما یعنی یک فرصت برابر برای همه آنهایی که رســـانه ملـــی را متهم بـــه عدم توجه به شـــهرهای متعدد و دور از پایتخت می‌کننـــد. بگذارید مثالی بزنم، چقدر از شـــیرزن کرمانشـــاهی بانـــو فرنگیس می‌دانیم؟ چقدر از اهل حقی که با امام بیعت کردند و تا دم آخر با تشکیل یگان‌های رزم نامنظم پای این بیعت ماندند می‌دانیم؟ کمی آن‌سوتر برویم. به روســـتای زیبای نران، در قلب کردستان. چقدر از شهید اهل سنت عاشورا سنجرخان می‌دانیـــم؟ شـــهیدی که در مقابل نفـــوذ روس و انگلیس ایستاد و به شـــهادت رسید. با لب تشـــنه در ظهر عاشورا هـــم ارز و هـــم رزم روزگار میـــرزا کوچـــک جلیل‌القدر. چقدر از ســـرداب‌های کاشان و داســـتانهایش از رزم با کفر مغـــول می‌دانیم؟ مطمئنا اگر برای آثار شـــبکه‌های استانی برخلاف رویه معمول سیما و به صورت استثنایی تبلیغات از شـــبکه‌های مختلف پخش شود چه کسی می‌تواند نسبت «من مخاطب» به این شبکه حیاتی بدهد؟

۳-تاثیرگذاری «منطقه‌ای»: ایران کشور اقالیم و اقوام است؛ آن سوی مرزهایش نیز همین اقـــوام و همیـــن اقالیم وجود دارد. کرد ایرانی به همان زبانی زندگی می‌کند که کرد عراقی! و کرد ترکیه! عرب خوزستانی ما نیز به همان فرهنگی زندگی می‌کند که عرب عراق. بلوچ ما می‌تواند الگوی بلوچ پاکستانی باشـــد و مرز شمال شرقی ما الگوی مردم هـــرات و افغان! شبکه «شما» چنین ظرفیتی دارد و «بایـــد» همانند پرس تـــی‌وی و شـــبکه‌های برون مـــرزی ما به عنـــوان یکی از اســـتراتژیک‌ترین شبکه‌های ایرانی نه فقط روی ماهواره‌ها باشد، بلکه امواج مربوط به آن توسط فرســـتنده‌های مرزی روی گیرنده‌های عادی مردم منطقـــه ارســـال شـــود. بازار دریافت ایـــن امواج فوق‌العاده است اما به شرطی که تولیدات نیز در سطح قابلی ارایه شود.

به هر صورت در خصوص این شـــبکه بسیار استراتژیک می‌توان ساعتها صحبت کرد و دلیل بقا آورد. اما اگر کسی تنها و تنها بـــه امنیت ملی و اســـتقلال این کشور در میان هیاهوی ســـرویس‌های عربی و غربی و انبوه سرمایه‌گذاری تفرقه‌افکنانه این ســـرویس‌ها ببیندیشـــد، می‌فهمد «شما» امروز حساس‌ترین نیاز ما در منطقه است.

***کارگردان مستندهای مرزی و استانی**

نگاهی به سریال «چرخ فلک»

روزنه‌ای از جامعه به درون انسان

آرش محمدزاده

ســـریال «چـــرخ فلـــک» نوع بومی شده سبک روایی اپیزودیک و متقاطـــع اســـت کـــه در فیلم-سریال‌سازی روز دنیا رواج بسیاری دارد. در این ســـبک، به جای یک قصه، چند قصه جدا از هم به نمایش درمی‌آیـــد. هر قصـــه، یک فصل یا اپیزود است و فصل یا اپیزود بعدی هم از دل قبلی بیرون می‌آید و با هم ارتباط دارند.

آنچه ســـبب بومی شـــدن این ســـبک غربی در این سریال شده، حالت دورانی و چرخشـــی داستان اســـت. بر خلاف سبک‌های هنری مدرن و پســـامدرن غربی که همه چیز حالت ســـخت و شکننده و از هم گسسته دارد (به ویژه در معماری مدرن) در هنر سنتی ایرانی، قوس و دوران و نرمش غلبه دارد. سریال «چرخ فلک» هـــم همچنان که از اســـم آن هم بر می‌آیـــد، مطابق با روح و توازن هنر سنتی ایرانی شکل گرفته است. ماجرا از داستان یک زن و مرد جوان آغاز می‌شود؛ آنها قصد وصلت دارند اما به خاطر روحانیت خاص آقای داماد که نسبت به ثروت و رفاه دلزده شده و قصد عبور از زرق و برق‌های مادی را دارد، ازدواج آن‌ها به هم می‌خـــورد. از دل این قصه، ماجـــرای دیگری به وجود می‌آید و همین‌طور با تمام شـــدن هر قصه، داستان تازه‌ای پدید می‌آید تا اینکه فصل آخر ســـریال، باز هم به قصه اول بر می‌گـــردد و باز هم ماجرای زن و مرد جوان.

معمـــولا ســـریال‌هایی کـــه دارای چنـــد کارگردان هســـتند و هر کارگردان یـــک بخش یا فصل سریال را می‌سازد، دچار نوعی عدم انسجام می‌شوند. اما سریال «چرخ فلک» علی‌رغم چنین مســـئله‌ای و برخـــورداری از ســـه کارگردان، یکنواخت و منسجم به نظر می‌رسد. نکته جالب این است که هر یک از این کارگردان‌ها نیز از نسل متفاوتی هستند. عزیزالله حمیدنژاد و بهرام عظیم‌پـــور، دقیقا همســـن هم و با ۵۸ سال، دارای کوله‌باری از تجربه هستند. اما احسان عبدی‌پور جوان است و با فیلم تحسین شده «تنهای تنهای تنها» شـــناخته شده است. همکاری آن‌ها به نتیجه رســـیده و کارشان، شسته و رفته و آبرومند از آب درآمده است.

مضمون محوری سریال «چرخ فلـــک» فاصله طبقاتی اســـت. هم داســـتان آن‌هایی کـــه در طبقات بالا زندگـــی می‌کنند را می‌بینیم و هم داســـتان آن‌هایی که در فرودست جامعه زندگـــی می‌کننـــد و البته با هم در مراوده و همزیســـتی به ســـر می‌برنـــد. به طور طبیعی، پرداختن به چنین مضامینی ارزشـــمند و در خور اعتناســـت. اما آنچه بـــه محتوای این ســـریال آسیب زده، از یک طرف، نگاه فانتزیک و توریستی به فقر و نگاه اغوا شـــده به ثروت است. گویی سازندگان این ســـریال، شـــناخت خیلی دقیقی هم از زندگـــی فقرا و متمولان ندارند. چـــون وقتی وارد زندگـــی ثروتمندها می‌شوند، نگاهشان بیش از هر چیز به زرق و برق‌های چشمگیر و خیره‌کننده آن‌ها معطوف می‌شود. به ویژه در فصل اول و ماجرای کامران(میلاد کی‌مرام) و نامزدش(لیـــلا اوتـــادی) که به طور آشکاری، فضای سریال مقهور و مبهوت جلوه‌های اشـــرافی و پرتجمل اســـت. خب، ایراد چنین تصویری این اســـت که با هدف عدالتخواهانه سریال تضاد دارد و به جای تخریب زندگی اشرافی و تجملاتی، به ترویج و تبلیغ این نوع زندگی می‌پردازد!

در حوزه فقر نیز ما تصویر چندان دقیقی از زندگـــی فقرا نمی‌بینیم. باز هم همان حکایت‌های همیشگی درباره کارتن‌خواب‌ها و بچه‌های بزهکاری که برای تأمین معاش خود به فروش مواد مخـــدر تن می‌دهند و خـــود را فرزند جانباز معرفی می‌کنند و ... تا اینکه باز هم سوپرمن‌ها و شیرزنانی از طبقات بالا لطف می‌کنند و با از خودگذشتگی، به بچه‌های گرسنه ناهار می‌دهند و آن‌ها را از دست مافیای کودکان کار نجات می‌دهند و به سرپرســـتی می‌پذیرند. در این حوزه نیز سریال «چرخ فلک» بـــاز هم به هدفی متضـــاد با مضمون عدالتخواهی می‌رسد!

به همین دلایل، ســـریال «چرخ فلـــک» در حوزه مســـائل اجتماعی، حـــرف تازه‌ای برای گفتن ندارد. حتی در اپیـــزود «ســـیدرضی» نیز همان حرف‌های تکراری و کلیشه‌ای در حوزه قصاص مطرح می‌شود. تأکید پرتکرار لزوم بخشش توسط خانواده‌ای که فرزندشان به قتل رسیده در فیلم‌ها و سریال‌ها باعث شده تا مخاطب از همـــان ابتدا بداند که آخر قصه چه می‌شـــود. همین که مسئله قصاص پیش آمد، همه بینندگان سریال با خود گفتند؛ «خب معلوم است دیگر، آخرش قاتل بخشیده می‌شود»! اما هیچ زمینه‌سازی منطقی برای اینکه سیدرضی، از خون فرزندش بگذرد و قاتل را قصاص نکند در داســـتان نمی‌بینیـــم و همین می‌شـــود که بخشش، باورپذیر و تأثیرگذار نباشد.

اما سریال «چرخ فلک» بیشتر از این نظر حائز اهمیت است که به ذات و درون انسان می‌پردازد. خلق موقعیت‌های دردناک و بغرنج در این اثر، محاکاتی است با فطرت بشری. سیر درام و آنچه بر آدم‌های قصه‌های این سریال می‌گذرد، مخاطب را با باطن خودش مواجه می‌کند. روایت سریال، سفری اســـت از بیرون به درون و حکایـــت آن، کنـــدوکاوی است برای شناخت خویشتن. شاید نگاه اجتماعی در فصل‌های مربوط به کامران و نامزدش، چندان عمیق نباشـــد، اما بـــروز و ظهور اخلاقی در این بخش‌ها قابل تأمل اســـت و نـــگاه جدیدی بـــه درون و باطن آدم‌هایی در کشاکش عشق و تعهد اجتماعـــی دارد. همچنین گرچه قضیه قصاص و بخشـــش قاتل در فصل «سیدرضی» سطحی پرداخته شده، اما آنچه در این بخش اهمیت دارد، نزدیک شدن دوربین سریال به خلوت و حریم شخصی قهرمان این فصل است.

به همیـــن دلایل هم ســـریال «چـــرخ فلک» گرچـــه در ظاهر به مســـائل اجتماعی می‌پـــردازد، اما درواقـــع، درباره فردیت اســـت و از جامعه روزنه‌ای به درون انســـان باز می‌کند.